

معلمان برای رفع تبعیض بپاخاسته اند!

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرائی حزب

سیاوش دانشور، پروین کابلی، عبدالله دارابی، صالح سرداری

"کارزار باکره گی" ارتجاع مشدد

صفحه ۹

پروین کابلی

صد سال پس از اولین اعتصاب معلمان

صفحه ۱۰

احمد بابائی

طرح بودجه دولت هار سرمایه و سرکوب

صفحه ۱۱

وریا روشنگر

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

یادداشتها،

در باره خلع مولانا گریج

جدال روسیه و اکرائین

سرود "ای ایران" وصله ناجور به اعتراض معلمان قم

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

۶۲۶

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۶ آذر ۱۴۰۰ - ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

معلمان کوتاه نیائید!

علیه سیاست "سرمه بندی"

بالاخره مجلس رژیم اسلامی روز سه شنبه زیر فشار اعتراضات پیگیر معلمان ناچار شد طرحی را تصویب کند که معلمان بدست آنرا نه اجرای رتبه بندی بلکه "سرمه بندی" نام نهادند. در طرح سرمه بندی، افزایش حقوقی نهایتاً در سطوح مختلف در نظر گرفته شده و تعداد بیشتری در قیاس با لایحه قبلی مشمول اضافه حقوق می شوند، اما هنوز عده ای بیرون میمانند و مهمتر پایه احتسابی آن برای رتبه بندی اساساً ناموجود است و مجلسی ها دست به یک تقلب آشکار زده اند.

این رتبه بندی ناقص اجرا شده و هنوز همسان سازی در مورد بازنشستگان فرهنگی اجرا نشده است. مهمتر، معلمانی که برای پیگیری همین خواستها بازداشت و زندانی شدند هنوز آزاد نشدند. در اجتماعات اخیر آقای رسول بدایقی از نمایندگان معلمان با وحشیگری بازداشت شد. در کنار فشارهای امنیتی، روزنامه های امنیتی حکومتی بار دیگر بساط انگ زدن به معلمان را راه انداختند. این ادبیات معمولاً بازداشت و پرونده سازی را بدنبال دارد. این یعنی حکومت در عین حال که زیر فشار عقب میروند همزمان نقشه تهاجم بعدی را در سر دارد. باید نقشه شان را شکست داد.

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

معلمان کوتاه نیاید!

علیه سیاست "سرهم بندی"

معلمان اما این لایحه را قبول نمی کنند. بیشتر معلمان ناراضی اند و در عین حال تصویب این طرح را حاصل اعتراضات خود می دانند. معلمان بدست هشدار دادند که یا طرح را کامل اجرا کنید و یا اعتراضات از سر گرفته میشود. آنچه معلمان میخواهند باید سیزده سال پیش اجرا میشد.

معلمان! کوتاه نیاید! علیه سیاست ایجاد شکاف قاطعانه بایستید! سیاست شکاف میخواهد وقت بخرد، دو دستگی ایجاد کند و همان مقدار عقب نشینی را در حلقه بعد پس بگیرد. فرهنگیان ایران فی الحال زیر خط فقر زندگی میکنند و افزایش حقوق کنونی هنوز این موقعیت فلاکتبار را تضمین کرده است. فضای کنونی و نارضایتی عمیق در جامعه، این فرصت را میدهد که معلمان با نیروی قویتری حضور یابند و حرفشان را به کرسی بنشانند.

رفاه و امنیت شغلی حق مسلم معلمان است.

سردبیر

۲۶ آذر ۱۴۰۰

آموزش رایگان برای همگان!

آموزش یک حق است نه یک امتیاز!

پیام حزب حکمتیست به معلمان مبارز

معلمان برای رفع تبعیض بپاخاسته اند!

روزهای شنبه و یکشنبه ۲۰ و ۲۱ آذر، معلمان و فرهنگیان با اعتصاب قدرتمند و سراسری در دویت شهر ایران و روز دوشنبه ۲۲ آذر را با تظاهراتهای بزرگ و با شکوه در بیش از صد شهر ایران به پایان بردند. دهها هزار معلم و فرهنگی شاغل و بازنشسته، زن و مرد، حق بجانب و پرشور، در سراسر کشور در اجتماعات شرکت کردند. دستگیری آقای بدایق در روز اول اعتصاب نتیجه معکوس داد و حضور گسترده تر فرهنگیان در روزهای یکشنبه و دوشنبه نشان داد که این تمهیدات در عزم راسخ معلمان اثر ندارد. تهدیدهای امنیتی قبل از اعتصاب، حمله به معلمان در مازندران و ببحرمتی و استفاده از اسپری و گازهای سمی توسط لباس شخصی ها، یا یورش به اجتماع فرهنگیان در تهران، با استقامت و درایت معلمان بی نتیجه ماند.

اعتصاب و تظاهرات روز دوشنبه با تاکید بر خواستهای مرکزی و فوری پایان یافت. از جمله در بخشی از قطعنامه پایانی اجتماعات معلمان آمده است: "اگر خروجی جلسه فردا (سهشنبه ۲۳ آذر) حداقل حقوق معلمان را بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه تا خط فقر یعنی ۱۲ میلیون افزایش ندهد و بودجه همسان سازی واقعی برای اجرا از مهر ۱۴۰۰ تامین نگردد، این اعتراضات در ابعاد گسترده تر ادامه خواهد یافت".

اجتماعات بیسابقه و قدرتمند معلمان از پتانسیل اتحادی بسیار قویتر و یک اراده جمعی سخن میگویند که نقشه راه و چشم انداز پیروزی این مبارزه را ترسیم میکند. اتحاد و همصدائی ایجاد شده مهمترین سرمایه و دستاورد معلمان در مبارزه جاری است که باید آگاهانه تقویت شود. فلج کردن ماشین سرکوب، عقب راندن تجارتخانه آموزشی و مقابله با اخراج و پرونده سازی، تنها با اتحاد قویتر و بمیدان آمدن وسیعتر معلمان ممکن میشود. حمایت زیبای دانش آموزان از معلمان و تقویت عنصر همبستگی در مراکز آموزشی شورانگیز است. ما به شعور سیاسی بالای دانش آموزان درود میفرستیم. اینهم از آموزش معلم با دغدغه نان است که "حق را باید گرفت" و "باید نه گفت" و "باید سوال کرد". جوانان سرمایه انسانی و آینده سازان هر جامعه اند و آموزش مناسب و با کیفیت و رایگان حق پایه ای آنهاست. منفعت حال و آینده دانش آموز و معلم درهم تنیده است.

ما به مبارزه و اتحاد معلمان درود میفرستیم و بر خواستهای برحق مانند؛ آموزش رایگان و با کیفیت و استاندارد علمی برای همه دانش آموزان، حقوق جوابگوی نیازهای زندگی و امنیت شغلی، مقابله با "مافیای آموزشی" و تاجر مسلک که آموزش را از یک حق به یک امتیاز بدل کرده است، لغو قوانین آپارتاید جنسی در مراکز آموزشی، از یک نظام آموزشی مدرن و سکولار و علمی، از حق اعتراض و تشکل و آزادی فوری معلمان زندانی قاطعانه حمایت می کنیم. اینها خواستهای طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم آزادیخواه است. ما همصدا با کارگران و معلمان، جمهوری اسلامی را بانی و مسبب این اوضاع مشقت بار میدانیم.

حکومت اسلامی در مقابل امواج اعتراض کارگران و معلمان و بخشهای مختلف جامعه تاب مقاومت ندارد. دستپاچگی حکومت بیانگر ضعف و وحشت از طوفانی است که همه چیز را با خود خواهد برد. امروز معلمان و کارگران از دریچه و برای تحقق خواستهای بلافصل خود می جنگند اما بسرعت با علت العلل و بانی این اوضاع روبرو خواهند شد. سرکوبگران و زندانبانان و ربایندگان نان کارگران در آرزوی حتی فرجه عقب نشینی نخواهند داشت. آینده از آن ماست!

از جانب دفتر سیاسی حزب حکمتیست،

سیاوش دانشور

۲۳ آذر ۱۴۰۰

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرائی حزب



کمونیسست هفتگی: مشخصه دولت رئیسی در جمهوری اسلامی چیست و قرار است این دولت کدام مسئله از جمهوری اسلامی و جامعه ایران را حل کند؟ کارنامه تاکنونی اش چه میگوید؟

سیاوش دانشور: جمهوری اسلامی با دولت هر جناح و یا ترکیب ائتلافی باندهای درون حکومتی، هنوز جمهوری اسلامی است و دستور کارش حفظ نظام و سازماندهی استثمار خشن نیروی کار ارزان و تحمیل استبداد و سرکوب است. دولت رئیسی به این معنا تمایزی با دولتهای دیگر جمهوری اسلامی ندارد، همه شان در حق کارگران و مردم جنایتهای هولناک مرتکب شده اند. اینها از ابتدا زیر پرچم خمینی تا امروز زیر پرچم خامنه ای در تقابل با مردم و حفظ نظام یکدست بوده اند. اما جمهوری اسلامی با رئیسی و فرماندهان سپاه بیان یک آرایش جدید حکومتی در مقابل یک جامعه آبستن تحول انقلابی است. خامنه ای ناچار شده خشن ترین و جنایتکارترین عواملش را در ارگانهای حکومتی بگمارد تا به آخرین جنگ مرگ و بقای نظام اسلامی برود. این موقعیت جمهوری اسلامی حاصل تحولات عمیق جامعه، خیزشهای توده ای و انقلابی و امواج اعتصابات شوکومند کارگری، بعد از عبور قطعی جامعه از بازی دو جناح و دست بکار شدن مستقیم برای بزیر کشیدن حکومت است. حکومتهای استبدادی در دوره های بحران و تلاطم، فشرده و چکیده نظام را در هیئت حکومت نظامی و قوانین ویژه و مشت آهنین جلو صحنه میگذارند. جمهوری اسلامی هم جنایتکارترین عناصر حاکمیت جنایتکارش را جلو صحنه آورده تا بشیوه آبان و خوزستان و اصفهان در مقابل کارگران و مردم بجان آمده بایستد.

آیا این سیاست جواب میدهد؟ آیا میتواند مردم را ساکت یا خانه نشین کند؟ تجربه خونین آبان نشان داد که نفرت جامعه عظیم تر و هولناک تر از آنست که حتی با کشتار مهیب مهار شود. آندوره گذشته است. ماشین و نیروی سرکوب هنوز قدرت آدمکشی دارد اما بنظر در محاسبات مردم معترض دیگر جای زیادی ندارد. کسی مرعوب هیبت قاتلین آبان و سرنگونی هواپیمای مسافربری و دهها و صدها جنایت در چهارگوشه کشور نشده و به تناوب و مستمر با تظاهراتهای توده ای و اعتصابات بزرگ کارگری روبرو هستید. سرکوب خشن در خوزستان و اصفهان حتی یک هفته جامعه را ساکت نکرد و در خود فرو نبرد. زمانی که سیاست سرکوب خشن میتوانست برای دوره قابل پیش بینی نظام را مستقر کند، سپری شده است. آنچه اتفاقا باید بیشتر با آن روبرو شد، اینست که همراه با ترک خوردن و سیر فروپاشی نظام، ماشین سرکوب آن بعنوان صف اول بیشتر ترک بر میدارد و ساده تر مضمحل میشود. همین امروز در نبردهای خیابانی در بسیاری موارد با تهاجم مردم متواری میشوند.

نکته مهمتر اینست که دولت رئیسی دولت تشدید فقر کارگران و مردم

زحمتکش و فربه تر کردن سرمایه داران و نهادهای مذهبی و نظامی است. بودجه پیشنهادی و مصوب سرنخی است به اینکه اینها چه خوابی برای مردم دیده اند. مشکل اینجاست که معادله فقر و سرکوب هم قابل ادامه نیست. این تعادل هر زمانی ممکن بوده، به حکم پتانسیل انفجاری دهها میلیون جمعیت که به فلاکت محکوم شده اند، دیگر ممکن نیست. جمهوری اسلامی و رئیسی اما میخواهد همین سیاست را دنبال کند. یعنی هم پلانفرم اعمال ریاضت و فقر و فلاکت اقتصادی بیشتر را دارد و هم اعتراض شان را با گلوله و بازداشت و پرونده سازی منزوی و جواب دهد. این سیاست به گواهی وضعیت جامعه و اعتراضات بیوقفه، اجتماعاً شکست خورده است. لذا دولت رئیسی نه فقط مسئله اساسی حکومت یعنی پاسخ به سرنگونی خواهی جامعه را نمیتواند حل کند بلکه بحران همه جانبه و تودرتوی رژیم اسلامی را عمیق تر و پیچیده تر و ارکانهای حکومت را در مقابل تهاجم جامعه شکننده تر میکند. کارنامه رئیسی در صد روز اول شمه ای از کارنامه خونبارش در حیات منحوس جمهوری اسلامی است؛ سرکوب خونین مردم تشنه در خوزستان و اصفهان، موج بازداشتها، اعدام، تهدید هر کسی که اعتراضی دارد، گرانی و تورم افسار گسیخته و تحمیل فقر بیشتر به مردم بوده است.

کمونیسست هفتگی: وضعیت عمومی جامعه ایران انفجاری و بشدت معترض است. جمهوری اسلامی در تقابل با این اوضاع چه سیاستی دارد؟ ارزیابی شما از کارکرد حکومت در دوره رئیسی چیست؟

پروین کابلی: برای ارزیابی حکومت رئیسی باید به این سوال جواب داد که چرا رئیسی رئیس جمهور شد؟ ما قبلاً گفتیم که انتخاب رئیسی برای جواب به دوره ای است که تضادها و کشمکشهای اجتماعی هر روزه شدت بیشتری می گیرند. این انتخاب نه از سرفدرت، بلکه نشانه استیصال رژیم می باشد. پروسه انتخابات و عدم شرکت مردم در این مضحکه به وضوح این را نشان داد. جمهوری اسلامی میخواست با انتخاب رئیسی بالای رژیم را منسجم کند و خود را برای مقابله با اعتراض فزاینده مردم آماده نماید. قرار نبوده و نیست که رئیسی دردی از معضلات پیچیده ی مردم مثل گرسنگی، فقر و بیکاری و بی مسکنی را چاره کند. مردم در این دوره بیش از پیش از جمهوری اسلامی رویگردان شده اند. نرمها و ارزش های اسلامی زیر ضربات سهمگین مردم قرار دارد.

بودجه ی سال ۱۴۰۱ ارائه شده به مجلس اسلامی در این هفته به روشنی نشان داد که این بودجه ای برای تقویت نیروهای سرکوب و افزایش فقر در میان مردم است. در این دوره ما با اعتصاب کارگری که کم و بیش در نقاط مختلف در جریان است، اعتراضات کشاورزی در اصفهان، اعتصاب و اعتراضات خیابانی وسیع معلمان روبرو بوده ایم. همه این روند بخوبی نشان می داد که رئیسی بعنوان

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرائی حزب ...

چهره ای منفور و جلاد قرار بود جلو افزایش و خطر فروری جمهوری اسلامی را بگیرد عملاً در مقابله با جنبش سرنگونی کار زیادی نمی تواند از پیش ببرد. دستگیری و حمله به خانه فعالین سرشناس کارگری، چپ و برابری طلب، زندان و پرونده سازی برای آنها نه از سر قدرت بلکه بیان وحشت از تجمع و سازماندهی مردم است. کسی حتی متوهم ترین ها به جمهوری اسلامی امید می ندارد، همه به چگونگی از سر راه برداشتن این نظام و آینده فکر میکنند. واقعیتی که سران رژیم هم به آن واقف هستند.

کمونیسست هفتگی: رسانه های حکومت از کارنامه "درخشان" دولت رئیسی در مواجهه با پاندمی کرونا سخن میگویند. کارنامه واقعی دولت رئیسی در اینمورد چیست؟ تبلیغات حکومتی میخواهد به چه مشکلی جواب بدهد؟

عبداله دارابی: امروزه اوضاع چنان تغییر کرده که طرف های اصلی درگیر در اوضاع سیاسی ایران به وضوح معرفی و قابل تشخیص اند و خاص و عام به آن اذعان میکنند. ولی تا چند سال قبل اینطور نبود. هنوز طرف های اصلی درگیر در اوضاع سیاسی ایران را با دو جناح اصلاح طلب، اصول گرا، تعریف میکردند تا در پرتو آن بتوانند سقوط کل نظام را از تیر رس مردم به دور دارند. اما این داستان سرانجام توسط کارگران و مردم آزادیخواه ایران یک کاسه شده و جدال و کشمکش بر سر اوضاع سیاسی ایران، بین دو طرف اصلی کارگران و مردم از یکسو، و سرمایه داران و حکومت شان از سوی دیگر، شدت در جریان است و می رود تا با سرنگونی نظام و رژیم اش، جامعه ایران یکبار برای همیشه با هویت خویش رو پای خود بایستد و بر سرنوشت خویش حاکم شود. با این مقدمه کوتاه، به سراغ کارنامه حکومت جدید در قبال پاندمی کرونا میروم که از قاعده فوق الذکر مستثنی نیست و پوچ بودن ادعاهای پوچ حکومت و رسانه هایش را در این زمینه بوضوح روشن می کند. اینک نزدیک به دو سال از اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران میگذرد که در حال حاضر نیز ۱۲ استان کشور در وضعیت قرمز قرار دارند و ۱۳ استان آن نیز با وضعیت هشدار روبرو هستند. ولی برخلاف بقیه کشورهای جهان، وضعیت پاندمی کرونا در ایران، از ابتدا تاکنون همواره با دو روایت و دو برداشت متفاوت مورد بررسی قرار گرفته که یکی از آنها روایت خود رژیم است که رفتار و عکس العمل خود در مقابله با کرونا را همواره بالنده و درخشان و موفقیت آمیز ارزیابی کرده است، دومی هم اخباری است که روزمره توسط مردم در رسانه های اجتماعی انتشار می یابند و واقعیتها نشان میدهند برخلاف بقیه کشورهای جهان، ایران در مقابله با گسترش شیوع کرونا و تأثیرات مخرب ناشی از آن بر جامعه، به عینه عاجز و ناتوان است و تا حال نیز نتوانسته از این بحران عبور کند. اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، ارزیابی رسانه های رژیم از چگونگی مقابله با پاندمی کرونا، همواره با

تعریف و تمجید کردن از روسای دولت و ساختن کارنامه «درخشان» برای آنها توأم بوده و چون پدیده ای معمول و متداول آنرا پیش برده اند. تعریف و تمجید از دولت رئیسی در مواجهه با پاندمی کرونا، تکرار مکرر همان نکاتی است که سال گذشته حسن روحانی راجع به دولت خود در مواجهه با پاندمی کرونا بیان کرد. روحانی گفت: «در کشور ما درمان و مقابله با کرونا برای مردم و مهاجرین و غیر ایرانی ها رایگان و مجانی است و در شرایط کرونا تخت و دارو برای همه وجود دارد». این سخنان روحانی در شرایطی بیان شد که خرید واکسن خارجی توسط علی خامنه ای ممنوع شده بود! دروغ از این واضح تر در مواجهه با پاندمی کرونا، کجا یافت میشود؟ ادعای دروغین رئیسی و دولت اش در کارنامه صد روزه خود در مواجهه با پاندمی کرونا، منبعث از ادعاهای روحانی و تکرار مکرر ادعاهای کذب اوست. اما در مقابل اینهمه دروغ و ریاکاری مقامات ارشد رژیم، مردم فریاد میزنند از آغاز شیوع کرونا در ایران تا به امروز هیچگاه روند ابتلا و مرگ و میر ناشی از کرونا متوقف نشده است. حتی دفترچه بیمه نیز در اکثر بیمارستانهای خصوصی فاقد اعتبارند. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان اعلام کرد: درمان کرونا برای همه جامعه رایگان نیست. مردم ایران در مواجهه با پاندمی کرونا روزمره با عملکرد و فعل و انفعال چنین روسائی روبرو هستند که در عالم واقع چیز خاصی غیر فریب و سرکوب برای مردم در چنته ندارند. ادعای رسانه های حکومت از کارنامه «مثبت» دولت ریسی، بسیار مشتمل کننده و تنفرآمیز است، چون علاوه بر کشتار وسیع مردم بوسیله کرونا، بخاطر بی تفاوتی دولت رئیسی، به تبعات و تأثیرات مخرب روانی ناشی از این ویروس، بیکار کردن میلیون ها کارگر و ترک تحصیل صد هزار دانش آموز و... می رود تا بیک فاجعه و رویداد بزرگ و دردناک در جامعه بدل شود. برخلاف پروپاگاندا رسانه های رژیم، مردم بارها اعلام کرده اند حتی از سیستم های مراقبت بهداشت اولیه محرومند، در ایران علاوه بر تأثیرات مخرب کوید-۱۹، افزایش فقر و کاهش روزمره درآمد، بخش اعظم جامعه را از مخارج برای سلامت و نظام رفاه محروم ساخته است. خودداری رژیم از خرید واکسن های موثر خارجی نیز، علاوه بر کشتار وسیع مردم، جان صدها هزار انسان دیگر را در معرض خطر مرگ قرار داده است. اگر خلاصه کنم، ادعای رسانه رژیم به حمایت از کارنامه ۱۰۰ روزه رئیسی، در شرایطی بیان میشود که، ایرج حریری معاون کل وزارت بهداشت تازگی اعلام کرده است که، همه گیری کووید ۱۹ با تحمیل بار اقتصادی و روانی به خانواده ها هزینه های کمر شکن سلامت را در خانوارهای شهری و روستایی از ۳/۷ درصد به ۸ درصد و از ۴/۹ درصد به ۱۲/۹ درصد افزایش داده است.

تازه ترین بیانیه مشترک سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی نیز حکایت از این دارد که؛ «کرونا در ایران پیش از آنکه با مرگ آغاز شود با فاصله و شکافی آغاز شد که اگرچه دهه ها است در جامعه وجود دارد، و... عده ای را این سوی خط فقر میگذارد و باقی را به آنسو پرتاب میکند».

کمونیسست هفتگی: اوضاع جامعه با آمدن رئیسی و حکومت نظامی و سرکوبها هر روز متلاطم تر میشود. آیا سرکوب دیگر

بمناسبت‌های مختلف در میان افشار مختلف جامعه و بخصوص کارگران، اعتراض و مبارزه بوده و روزی نیست که شاهد اعتصاب و اعتراض نباشیم.

اعتراضات و درگیری های مردم اصفهان و چهارمحال بختیاری، بر سر بحران آب، تظاهرات معلمان در سراسر کشور، که دیروز مجلس را وادار کرد بخش کمی از مطالبات آنها را قبول کنند، اعتراضات روزمره کارگران و کارگاههای کوچک و بزرگ در مراکز کار، همه نشان از آن دارد که این کشمکش و اعتراض میان مردم و رژیم به پهنای ایران در جریان است و رژیم توانایی جوابگویی به آن را ندارد.

کمونیسست هفتگی: حزب از گسترش اعتصابات کارگری و توده ای و پیوند ضروری این دو رکن اساسی سخن میگوید. چطور و چگونه باید این همسوئی ایجاد شود؟ رئیس سیاست حزب کدامند؟

سیاوش دانشور: اعتصابات کارگری و خیزشهای توده ای معمولا جدا جدا رخ داده اند و یا در زمان وقوع یکی، دیگری بمیدان نیامده است. مبارزه گسترش یابنده کارگران در صنایع و مراکز مختلف، ابتدا از تک کارخانه به رشته ها و صنایع مشابه گسترش یافت. مانند اعتراضات کارگران یک صنعت در چند استان یا سراسری از جمله در نفت و گاز، برق، راه آهن، پتروشیمی ها، معلمان، بازنشسته ها، شهرداری ها. این اعتراضات بدلیل گسترش جغرافیائی و رشته ها و بخشهای مختلف کارگری، ظرفیت پیوندها و هماهنگی های بیشتر را دارد. امری که اساسا توسط شبکه های محافل رهبران عملی کارگران و گسترش جنبش مجمع عمومی میتواند متحقق شود. خیزشهای توده ای که عمدتا توده های محروم و حاشیه نشین و محلات کارگری هستند، دردهای مشترکی دارند اگرچه مکانیزم خیزش توده ای با اعتصابات کارگری تفاوت دارد. اتفاق جدیدی که افتاده است اینست که بدلیل گسترش فوق برنامه فقر و فلاکت و گرسنگی به مردم، از هر منفذ جامعه صدای اعتراض شنیده میشود و پتانسیل اعتراضی در جامعه خود را بدلیل مشکلات ساده و لاینحل روزمره در مقاطع مختلف بروز میدهد. اعتراض به هر دلیلی میتواند باشد اما نبض اعتراض جاری است و هر اعتراض بدرجات مختلف میتواند جرقه ای برای ایجاد حرکتی بزرگتر شود. در کنار اینها اعتصابات کارگری بیوقفه ادامه دارد و امکان همزمانی اعتصابات کارگری و حرکتی توده ای بیشتر از پیش شده اند.

ما این دو رکن اعتراض در جامعه را بسیار حیاتی و مهم میدانیم و راجع به تاثیر متقابل آنها به روی هم و به روی جامعه، تامین هم جبهتی سیاسی بیشتر و گسترش اشکال سازماندهی صحبت می کنیم. برای اینکار در چند سطح باید کار کرد. اول ایجاد همصدائی و اتحادی قوی در جنبش کارگری با خواستهای دربرگیرنده و مورد حمایت توده های میلیونی کارگران. این همصدائی بخشا در اعتراضات سراسری رشته ای و بخشا در خواستهای اعتصابات کارگری مختلف خود را نشان میدهد. مسائلی مانند افزایش دستمزدها، نفی کار پیمانی و قراردادی، رفاه و امنیت شغلی، آموزش رایگان، بیمه رایگان و حق سلامتی، علیه فقر و تبعیض، حقوقهای معوقه و ... که تقریبا در اکثر مبارزات کارگری مطرح میشوند. این همجبهتی و همصدائی در اعتراضات و برآمدهای توده ای ممکن است برسر نان یا برق یا آب باشد اما در اساس علیه

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرائی حزب ...

اهمیت و کارکرد سابق را از دست داده است؟ حزب روند اوضاع را چگونه ارزیابی میکند؟

صالح سرداری: بنظر من تا به امروز حربه سرکوب، در اعتراضات و تظاهرات ها و تجمعات مختلفی که برگزار شده است، کارایی خود را از دست نداده است. چون اگر سرکوب وحشیانه، دستگاههای امنیتی، انتظامی و لباس شخصی ها نبود مردم بجان آمده تخت این رژیم را از بیخ کنده بودند. شما اگر به فیلم ها و عکس های برخورد شدید اینها به مردم معترض نگاه کنید بوضوح آنرا میبینید. این سرکوب ها بخصوص بعد از آمدن رئیسی که کابینه و مجلس و قوه قضائیه یکدست شدند، شدت بیشتری بخود گرفته است. سرکوبگران شمشیر را از رو بسته اند. دیگر خبری از غرولند بعضی از اصلاح طلبان نیست. اما همه این سرکوبگری ها، توانسته مردم را به عقب نشینی وادارد؟ جواب خیلی روشن است که به هیچ وجه.

طرف دیگر این کشمکش و مبارزه مردم بجان آمده ای است که برای زنده ماندن ناچار است به جهمی که برایش ساخته اند اعتراض کند. زیرا این رژیم هیچ راهی برای مردم نگذاشته است. بیکاری میلیونی که روز به روز رو به افزایش است، فقر و فلاکتی که دامنگیر آنها شده، عدم پرداخت حقوق ماهیانه، گرانی سرسام آور روزانه و ساعت به ساعت، ضربدر مرگ و میر کرونا و هزینه درمان، اخیرا بی آبی و بحران آب، آلودگی هوا، و ... تصویری از یک جامعه تماما گرفتار در چنگال جمهوری اسلامی را نشان میدهد.

این وضعیت فقر و فلاکت مردم در حالی است که صاحبان قدرت و آخوندها و سرمایه داران روز به روز بر ثروتشان در بانکهای دنیا افزوده میشود و این را مردم ایران بخوبی میدانند. میدانند که بخش بزرگی از ثروت و سامان مملکت صرف نیروهای تروریست در منطقه نظیر حزب الله لبنان و حوثی های یمن و حشد شعبی در عراق و شبکه های ترور در سراسر دنیا و دستگاههای عریض و طویل زندان و شکنجه گاهها، و گله های آخوند و نیروهای سرکوبگر داخلی برای حفظ این رژیم میشود.

ما قبلا در نشریات و رسانه های حزب گفته ایم، آمدن رئیسی و کابینه نظامی اش نه تنها نمیتواند کوچکترین رفرم و اصلاحی در وضعیت وخیم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ببار آورد، بلکه وضع از این هم بدتر خواهد شد. دولت رئیسی و سپاه و خامنه ای تنها برای حفظ نظام سراپا جنایت شان فقط و فقط به ابزار سرکوب متوسل خواهند شد. همچنین گفتیم کارگران و زحمتکشان و توده های به تنگ آمده از این اوضاع، برای زنده ماندن خود این وضعیت را تحمل نخواهند کرد. از همان روزهای اول آمدن رئیسی روزانه در گوشه و کنار ایران

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرایی حزب ...

بانی و مسبب این اوضاع یعنی جمهوری اسلامی است. این امکان وجود دارد که اعتراضات ما هرچه آگاهانه تر و همدفند و سازمانیافته تر باشد. یعنی خواستهائی را بصدر برانیم و حول آن سازماندهی و همصدائی ایجاد کنیم. شعارها و پرچمهای مبارزاتی مشخصی را در جامعه طرح کنیم که قابلیت آنرا دارد که به سوالات ماکروی جامعه و کارگران جواب دهد. وقتی کارگران میگویند؛ معیشت سلامت حق مسلم ماست، یا معلمان از آموزش رایگان برای همگان سخن میگویند، یا کارگران دستمزدهای جویگوی نیازهای زندگی امروز را طرح میکنند، هر بخشی از طبقه کارگر یک خواست محوری و دربرگیرنده کل طبقه را طرح میکند. این همصدائی بدرجه ای ایجاد شده و ضروری است به سطح عالیتری ارتقا یابد. ما بصورت فشرده آنها را در شعار تاکتیکی "آزادی، برابری، رفاه" جمع بندی و اعلام کردیم.

حزب برای رفع موانع گسترش اعتصاب و تشکل و سازمانیابی کارگری و توده ای تلاش می کند. طبقه کارگر و جامعه اختناق زده ایران نیازمند انواع تشکل و سازمان اعم از حزبی و توده ای و نظامی و تدارکاتی و رسانه ای و تبلیغاتی و غیره است. در جنبش کارگری سیاست ما تقویت سنت شورائی و راه افتادن جنبش مجمع عمومی است. مجمع عمومی هم پاسخگوی نیازهای سازمانیابی مبارزه جاری کارگران است و هم پایه سازمانهای شورائی طبقه کارگر است که بسرعت در صحنه سیاست ایران شاهد ایجاد و اعلام آنها خواهیم بود. در سطحی مشخص تر، طیف رهبران عملی کارگران که دست اندرکار و سازماندهندگان مجمع عمومی و اعتصابات و دخیل در سازماندهی اعتراضات توده ای اند، ضروری است تصویری روشن از شرایط کنونی و روند پیش رو داشته باشند. ما باید به سمت جنبش شورائی کارگری و تضمین حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه سیاسی در نبرد برسر قدرت سیاسی برویم. در شرایط کنونی، تکیه به جنبش مجمع عمومی و سیاست دخالت مستقیم توده کارگران در امر روز خود، مبنای مهمی برای سازمانهای شورائی کارگران و دخالت در امور را فراهم می کند. تلاش و سیاست حزب در تحولات پیش رو، مبارزه برای پیروزی کارگر و کمونیسم است. ما برای تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر از جنبش طبقات دارا و بورژوازی، برای تضمین دخالت مستقل طبقه کارگر در تحولات با یک پرچم سوسیالیستی، برای تامین یک رهبری کمونیستی کارگری بر جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش میکنیم. تاکتیک های ما و انعطاف و عدم انعطاف ما تابعی از این اهداف و منافع مشخص جنبش طبقه ما در پاسخ به سوالات مشخصی است که هر آئینه در مقابل حزب و جامعه قرار میگیرد.

کمونیست هفتگی: نقش زنان در جامعه و در اعتراضات اجتماعی هر روز برجسته تر و همزمان تعرض به زنان و تلاش برای اسلامیزه کردن جامعه هر روز گسترش می یابد. کشمکش تاریخی و تعطیل ناپذیر اسلام با موجودیت و حقوق زن به کجا میرود؟
پروین کابلی: در جامعه ی ایران تقابل زنان با ارزشها و قوانین

آپارتاید جنسی یک کشمکش تاریخی و روزمره در تقابل با قوانین ضد زن اسلامی عمری طولانی به قدمت رژیم دارد و اکنون هم ادامه همین کشمکش است. این جنبشی بر علیه نفس وجود جمهوری اسلامی است. جنبش برای آزادی زن جنبشی برای رهایی انسان از قید و بند سنت های عقب مانده، ضد زنی بوده که هیچ ربطی به دنیای امروز ندارند و اتفاقاً به دلیل همین خصوصیت است که جنبش زنان به گستردگی جامعه ایران وجود دارد. تمام موجودیت جنبش برابری زنان علیه جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد زن، از حمله دخالت مذهب در زندگی انسان، مقابله با خشونت علیه زنان و کودکان، مبارزه علیه حجاب اسلامی و جداسازی و آپارتاید جنسی، مبارزه برای حق قیومت و سرپرستی فرزندان، آزادیها و حقوق فردی مانند حق سفر و حق انتخاب شغل، مقابله با تبعیض ها براساس جنسیت، و در یک کلام مبارزه علیه اسلامیزه کردن جامعه ایران بوده است. مسئله ای که هیچگاه فقط امر زنان نبوده است بلکه این جنبشی برای نفی حکومت و برای کسب حقوق و حرمت انسانی بوده است. خود جنبش زنان و مبارزه علیه اسلام سیاسی و ارزشهای آن، مردم ایران را به مبارزه جهانی بر علیه همه اینها متصل می کند. این پیوستگی در جامعه جهانی به یمن وسایل ارتباطی و سوشیال میدیا گسترده تر شده است.

جمهوری اسلامی در دوره های مختلف به شیوه های گوناگون تعرض وسیعی را در مقابل موج ضد اسلامیزه کردن جامعه سازمان داده ولی با شکست روبرو شده است. دستگاه آموزشی قرار بود نسل جنگجویان و رزمندگان بعدی اسلامی در خاورمیانه را پرورده کند. همین نسل اکنون یکی از دردسره های رژیم شده است. جوانانی که بشدت به نرملهای اسلامی پشت کرده اند. این کشمکش که شما از آن نام می برید هرچه که جلوتر می رویم در بستر اصلی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی به یک فاکتور جدی تبدیل می شود. فراموش نکنیم که در شورش های سالهای اخیر زنان در صفوف اول نقش سازمانده و رهبری را به عهده گرفته اند، نقش ایفا کرده اند و هر جا که توانسته اند نرملهای آپارتاید جنسی را پایمال کرده اند. زنان در سرنگونی جمهوری اسلامی نقشی مهم و کلیدی را بعهده خواهند داشت و باید برای این روز خود را آماده نمود. اکنون این گفته که انقلاب ایران رنگی زنانه خواهد داشت و بدون آزادی بی قید و شرط زنان به جایی نمی رسد می رود که به معرفت عمومی جامعه تبدیل شود.

کمونیست هفتگی: مشکلات و موانع سر راه بسیج و سازماندهی مبارزه با جمهوری اسلامی کدامند و حزب کدام سیاست و چه راه حلی برای پیشروی در دستور دارد؟

عبداله دارابی: جامعه ایران دارد به سمت تحولات انقلابی گام می نهد. با نزدیک شدن به چنین تحولاتی، سازمانهای طالب کسب قدرت سیاسی بلافاصله وارد این تغییر و تحولات خواهند شد. چون نفس این رویداد، مساله بسیج و سازماندهی را نیز در خود نهفته دارد و راه را برای وارد شدن به آن فراهم می سازد. خود جامعه نشان میدهد مبارزه برای کنار زدن رژیم جمهوری اسلامی حادثه و تندتر می شود. آنوقت جنبش های مختلف با پلاتفرمهای خاص و ویژه خود وارد میدان میشوند و ما هم برای پیروزی جنبش خودمان جنبش کارگری- سوسیالیستی با شعار و سیاست ویژه آن به مبارزه علیه رژیم ادامه میدهم. چون انقلاب سوسیالیستی برای ما همیشه عاجل و سریع است. ولی در عین حال باید اینرا دانست که نفس سرنگونی انقلابی رژیم فی نفسه

در باره اوضاع سیاسی ایران

با هیئت اجرائی حزب ...

اساسی اوضاع در کردستان همان است که در سطح ایران وجود دارند. اما ویژگی هایی هم در کردستان هستند که باید به آنها توجه کرد. با توجه به سابقه تاریخی و سرکوب سیاسی در زمان پهلوی و جمهوری اسلامی و همچنین وجود ستم ملی، در کردستان احزاب مختلفی بوجود آمده اند.

احزاب سیاسی مختلف جنبشهای سیاسی مختلفی را نمایندگی کرده اند. از همان روزهای قدرت رسیدن جمهوری اسلامی کمونیست ها در کردستان برای دفاع از دستاوردهای انقلاب و دفاع از منافع توده های محروم و رفع ستم ملی، یکی از نیروهای اصلی جامعه کردستان بودند و به نیرویی اجتماعی تبدیل شده اند. از طرفی دیگر نیروهای ناسیونالیست کرد هم با تغذیه از وجود ستم ملی سعی کرده اند که در قدرت سهیم شوند اما رژیم جمهوری اسلامی حاضر نشده کوچکترین امتیازی به اینها بدهد و در کردستان سهمی برای آنها قائل شود. بهمین دلیل در تقابل با رژیم اسلامی افتاده اند.

هنوز هم این وضعیت ادامه دارد. غیر از مسله حل نشده ستم ملی در کردستان، بخشی از مردم سنی مذهب هستند. سنی گری و به تبع آن سلفی گری در سایه رژیم هار اسلامی مثل يك نیروی کیک زده و ارتجاعی وجود دارند. هر چند هیچوقت نتوانستند در میان مردم کردستان جایگاهی پیدا کنند اما نیرویی مزاحم برای جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی هستند. به اینها باید دارودسته مفتی زاده و مکتب قرانی ها، و اخیرا هم تکیه و خانقاه شیوخ مرتجع کسنزانی را اضافه کرد. همه اینها سر در آخور جمهوری اسلامی دارند. اینها در آوایل انقلاب بنام دارودسته مفتی زاده و مکتب قرآن فعالیت میکردند. آنوقتها همه این دارودسته رسماً جزو نیروهای سرکوب و تحت فرماندهی سپاه و ارتش بوده و در تشکیلاتی نظامی بنام (پیشمرگان کرد مسلمان) سازمان داده شده بودند، توسط مردم و در راس آنها کمونیست ها طرد و منزوی شدند.

در جواب بخش دوم سؤال شما باید بگویم با توجه به اوضاع حساس و پرتلاطم کنونی کمونیستها و فعالین و رهبران جنبش های اجتماعی باید اوضاع را با حساسیت تعقیب کنند و برای مراحل مختلف مبارزاتی که پیش میاید نقشه و راه حل داشته باشند. در درجه اول فعالین کمونیست و آزادیخواه باید در کنار هم قرار گیرند و خود را متشکل و متحد کنند. اینکار البته بدرجائی انجام گرفته اما ابدا کافی نیست. تکلیف ما با جمهوری اسلامی روشن است و چهل سال است که در عرصه های مختلف در جنگ و مبارزه هستیم. باید بیشتر و بیشتر هم آنرا تا سرنگون کردن رژیم ادامه داد. غیر از رژیم اما در کردستان جریانات راست، در فکر توطئه و آلترناتیوسازی هستند. انواع طرح و نقشه از هم اکنون در سر دارند، تا در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی خود را بر مردم تحمیل کنند و بار دیگر جریانات راست ارتجاعی در سطح ایران میثاق و عهد نامه امضا کرده اند. میخواهند مردم را از دخالت در سرنوشت خود محروم و از بالای سر مردم، بند و بست و سازش کنند و بجای مردم تصمیم بگیرند. اینها را رسماً از هم اکنون اعلام کرده اند.

برای جوابگویی به این وضعیت کارگران و توده های مردم، باید آگاه و هوشیار باشند. کمونیست ها و آزادیخواهان باید برای متحد کردن و متشکل کردن کارگر و زحمتکش جامعه کردستان در تشکل های صنفی و سیاسی خود بیش از هر زمان بکوشند تا بتوانند مانع هر نوع دسیسه و توطئه بر علیه منافع و مصالح شان بشوند. در این دوره حساس اوضاع سیاسی، هر نیرویی که خود را کمونیست و چپ میداند باید

گوش شنوای بیشتری را به سمت خود جلب میکند که سرانجام آن به کمتر از سرنگونی تمام و کمال رژیم رضایت نخواهد داد. این همان چیزی که پروسه بسیج و سازماندهی را نیز تقویت میکند. چون در روند هر انقلابی، این مردم هستند که به سرعت تغییر میکنند و نفس این تغییر هم راه را برای بسیج کردن و سازمان دادن نیز هموار میسازد. در ادامه این روند، مبارزات طبقاتی در جامعه روزبروز عمیق تر و حاد تر میشود و به اتکا به آن نیز خواست و توقعات مردم منجمله طبقه کارگر به سرعت بالا میگردد. البته بین این دو دیواری وجود ندارد، چون در پروسه سرنگونی انقلابی رژیم، پیشروی های ماهوی در زمینه خواستگاه طبقات جامعه به صورت نسبی کسب شده است. در نتیجه، تلاطم یا اعتلای انقلابی تناقضات درون طبقات را به جدال علیه همدیگر می کشاند که نفس آن، دریچه هایی را برای قدرتگیری فراهم میکند. در چنین شرایطی سوالات فراوانی از نظر کمی و کیفی و هموار بودن یا نبودن کسب قدرت سیاسی و ده ها مورد مشابه رو میز حزب ما بمثابه یک حزب کمونیستی قرار میگردد. در درجه اول باید بر این امر واقف بود که، هر نوع پیشروی بلحاظ کمی و کیفی در گرو اتخاذ سیاست و تاکتیک و برنامه درست ما است نه چیزی دیگر. سیاست و تاکتیک و برنامه ای که بتواند در فعل و انفعالات روزمره طبقه کارگر بکار گرفته شود و بسرعت نشو و نما یابد. سیاست و برنامه ای که قادر باشد ساختار کنونی آنها را حول پرچم طبقاتی شان سازمان دهد. با توجه به آن، یک حزب با کیفیت میتواند بسرعت بیک کمیت غیر قابل حذف تبدیل شود و حرکت رو به پیش بخش وسیعی از کارگران را شکل دهد.

چنانچه بالا اشاره کردم، هیچ حزبی بدون اقدام انقلابی علیه رژیم، بدون اقدام انقلابی به نفع زنان در جامعه، بدون مبارزات اجتماعی در جامعه و... قادر به جلب توجه انقلابیون و کارگر کمونیست و زن و جوان مبارز نخواهد شد. باید از زاویه منافع طبقه کارگر به جامعه ورود کرد و در آنجا جا پای باز کرد و در آنجا محصول سیاسی و برنامه ای مان را در معرض قضاوت بگذاریم و با تکیه بر آن موانع و مشکلات پیشروی خودمان را در سر راه مبارزه انقلابی علیه رژیم و نظام سرمایه داری ایران کنار زنیم و به اتکا به آن وارد گود استخر شویم. در غیر اینصورت هیچکس و هیچ اقلیت انقلابی لازم نخواهد دید که بما بپیوندند و در حزب مبارزه کنند. با عمل انقلابی و رادیکال در سطح جامعه، میتوان کارگر کمونیست و زن و جوان انقلابی را بسمت خود جلب کرد و از طریق آنها به جان کل جامعه افتاد و حزب را در سطح گسترده تری سازمان داد و سپس به کمک آن به دنبال اجرای سیاسی و برنامه ای حزب گام گذاشت. چون سیاست و تئوری کمونیستی و رادیکال بدون ترجمه عملی و اجتماعی راه بجایی نمیرسد.

کمونست هفتگی: سیاست حزب در کردستان چیست؟ آیا تفاوتی با بقیه کشور دارد؟ کمونیست ها و فعالین کارگری و اجتماعی در دوره حاضر چه وظایفی دارند؟

صالح سرداری: در جواب به سؤال شما باید بگویم که فاکتورهای

اعلامیه حزب حکمتیست

تهدید و زندان دیگر اثر ندارد، معلمان متحدند!**از تحصن و اجتماع معلمان در سراسر کشور حمایت کنیم!**

معلمان امروز شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۰، با فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در سراسر کشور در مدارس دست به اعتصاب و تحصن زدند. در روز اول اعتصاب و تحصن دهها هزار معلم در بیش از ۲۰۰ شهر شرکت داشتند و با پلاکاردهائی در دست همصدا بر خواستهای برحق و فوری خود تاکید کردند. فشار اعتراض معلمان آنقدر قوی بود که بخشی از مدیران و معاونان در اعتصاب شرکت و معلمان را همراهی کردند. همینطور امروز رسول بدایعی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر توسط پلیس امنیت با خشونت و هتک حرمت بازداشت شده است. تحصن معلمان فردا یکشنبه ۲۱ آذر در مدارس ادامه دارد و روز دوشنبه ۲۲ آذر اجتماعات سراسری معلمان با خواستهای مرکزی "رتبه‌بندی کامل شاغلان" و "همسان‌سازی بازنشستگان" برگزار خواهد شد.

اتحاد و یکصدائی معلمان، علیرغم فشارهای امنیتی و دستگیری فعالین و نمایندگان آنها، ستودنی است. تنها این همصدائی و تقویت و استمرار آنست که ضامن پیشروی و پیروزی است. هرچه اعتراض وسیعتر و اتحاد معلمان قویتر باشد، اعمال فشارها بی‌تاثیرتر خواهد شد. حرف معلمان برحق و روشن است: آنها آموزش رایگان و با کیفیت و استاندارد علمی برای همه دانش آموزان میخواهند. آنها حقوق مکفی و امنیت شغلی میخواهند و از تبعیض و فقر بیزارند. آنها مخالف بازاری کردن آموزش و محروم کردن هر ساله میلیونها دانش آموز از تحصیل و حق پایه‌ای آموزش هستند. آنها از وعده و دروغ‌های دولت و مجلس و نهادهای معلمان وابسته به حکومت به تنگ آمدند.

دانش آموزان، خانواده‌ها!

از معلمان و اعتراضاتشان با ابتکارات مختلف حمایت کنید. برخورداری از حق آموزش و محیط آموزشی سالم با معلم بی‌دغدغه نان حق فرزندان ماست. حمایت از معلمان حمایت از حال و آینده کودکان و دانش آموزان است.

کارگران، آزادیخواهان!

حمایت آگاهانه از اعتصابات و اعتراضات و تقویت عنصر همبستگی کارگری، یک نیاز پیشروی مبارزه امروز طبقه ما علیه وضع موجود است. هیچ اعتصابی نباید تنها بماند و هر اعتصابی یک سنگر نبرد طبقه ما در سراسر کشور است. هم‌جهتی سیاسی در خواستهای همگانی مانند معیشت و امنیت شغلی و آزادی و رفاه، باید به هم‌جهتی همگانی و آگاهانه در تقویت اتحاد طبقاتی ارتقا یابد. از اعتصاب و تحصن و اجتماع معلمان حمایت کنید و خواهان آزادی معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی شوید.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به اتحاد و پیگیری معلمان در مبارزه برای خواستهای برحق خویش درود میفرستد. اقدامات سرکوبگرانه رژیم اسلامی و تروریزه کردن فضای جامعه، انعکاس وحشت حکومت از پتانسیل قدرت اتحاد ماست. تحصن را به سکوتی برای بسیج و تقویت اتحاد سراسری بدل کنیم. با همین اتحاد رسول بدایعی و معلمان زندانی و زندانیان سیاسی را از چنگ جلاخان اسلامی آزاد می‌کنیم. درود بر اتحاد و رزم معلمان!

آموزش رایگان یک حق است نه یک امتیاز!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۱ آذر ۱۴۰۰ - ۱۱ دسامبر ۲۰۲۱

در باره اوضاع سیاسی ایران**با هیئت اجرائی حزب ...**

این مهم را در نظر بگیرد و بدور از منافع حزبی منفعت جنبش کمونیستی را در نظر بگیرد و برای آن تلاش کند. باید آنقدر کمونیسم و چپ در جامعه قدرتمند باشد، که هیچ نیروی راستی، نتواند علیه مردم توطئه و سازش کند.

این وظیفه‌ای است که مسئولیت آن بر دوش فعالین کمونیست و آزادیخواه جامعه کردستان و نیروهای چپ و کمونیست می‌باشد. حزب حکمتیست همانطوریکه تاکنون با احساس مسئولیت برای این مهم اقدام کرده است خود را موظف میداند با تمام توان برای قدرتگیری آلترناتیو کمونیستی و کارگری بکوشد.

برنامه‌های تلویزیون پرتو،**رسانه حزب کمونیست****کارگری - حکمتیست را****بطور زنده از طریق کانال****آلترناتیو شورایی دنبال****کنید و به کارگران و****دوستانان معرفی کنید.****آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>



است، و در صورت ترمیم چنان چه شوهر در موقع ازدواج شرط بکارت کند یا عقد را مبنی بر بکارت دختر جاری کنند، و بکارت بر اثر نزدیکی برطرف شده باشد، حق فسخ برای شوهر وجود دارد و جراحی، در آن تأثیری ندارد.

"کارزار باکره گی" ارتجاع مشدد

پروین کابلی

حالا نوبت کارزارچی ها است که روی تبعیض و ستم به زن کیسه بدوزند. دهه های قبل یکبار از زبان خمینی گفته شده بود: "دختران باکره به بهشت می روند"! وقتی در سال شصت خبر آمد که جلادان براساس دین اسلام به دختران زندانی سیاسی قبل از اعدام تجاوز میکنند تا "باکره" نباشند و به "بهشت" نروند، تازه عمق جنایت رژیم اسلامی و خمینی بیرون افتاد.

مژده که "کارزاری در ممنوعیت صدور گواهی بکارت" از ۹ آذر ۱۴۰۰ شروع شده و تاکنون هزار نفری با امضا به آن پیوسته اند. آنها در متنی که برای محمد باقر قالیباف رئیس مجلس رژیم اسلامی ارسال کرده اند، خواهان برچیدن "مسیر آزمایش باکره گی" شده اند. در میان مسائل متعدد و مهم زنان، انتخاب "باکره گی" و راه انداختن "کارزار" فی النفسه وارونه و عجیب است. از این بدتر تقاضا از قالیباف دزد و فاسد و از سردمداران جنایتکاران ضد زن.

سوالی که پیش می آید این است که دست اندرکاران این کارزار که برای قالیباف عریضه مینویسند، آیا خبر ندارند که برای میلیونها زن و دختر در ایران مدتهای مدید است که باکره گی موضوعیت ندارد؟ (در اینجا وارد این بحث نمی شوم که باکره گی افسانه ای بیش نیست. داستان پرده بکارت پدیده ای بشدت تحقیر آمیز، ضد زن، و برای کنترل سکسوالیته زنان سرهم شده است). اگر خبر ندارند حتما در گوش گاو خوابیده اند. چون نسل جوان گوششان را در مقابل این خزعبلات بسته اند و راه خودشان را میروند. با سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی، کار کلینک های "ترمیم بکارت" مدتی گرفت ولی سرعت از رونق افتاد. برای بسیاری از جوانان مدتهاست که داشتن رابطه جنسی به ازدواج و تشکیل خانواده ربط داده نمی شود. گسترش اشکال مختلف زندگی و روابط زن و مرد و زوج ها، از رنگ باختن روابط سنتی و اسلام زده سخن میگوید.

نامه به قالیباف دقیقا نگران همین روند است و از رابطه جنسی قبل از ازدواج اینگونه توصیف میکند: "در واقعیت و در مقام عمل و از منظر دینی کاهنده استمرار گناه و مهمتر از همه تسهیل کننده مسیر ازدواج در میان جوانان است و در نظام حقی و حقوقی که صاحب حق، خطای شریک زندگی اش را پذیرفته و بخشیده... (از متن نامه کارزارچی ها به قالیباف). سراسر این متن ضد زن و به غایت ارتجاعیست. نفس این جملات و نامه و بیحرمتی و توهین به زنان است.

اما از نظر فقه اسلام و آیت اله صافی گلپایگانی می گوید: (جراحی برای ترمیم بکارت اگر موجب نظر و لمس غیر شوهر باشد حرام

حجاب اسلامی، بی حقوقی زن، اسید پاشی، آپارتاید جنسی، قتل ناموسی و انواع مصائب زنان هر روز تشدید میشود. مسبب این اوضاع حکومتی است که ضدیت با زن فلسفه وجودی آنست. آنوقت تعدادی مرتجع که منفعت مادی و زمینی دارند، از جانوران و آیت اله های متحجر قرن وسطایی و قالیباف متخصص لوله کردن دانشجویان معترض، تقاضای بهبود و شفای عاجل دارند! ما میگوئیم اگر درد شما مسئله زن است، اول باید حکومت ضد زن را برانداخت، نه برسیمیش شناخت و در لابلای قرآن و حدیث دنبال "حقوق زن در اسلام" بود. شیرین عبادی ها زودتر این راه را رفتند و خیلی وقت است که سرشکسته بیرون آمدند.

در ایران یک نبرد روزانه میلیون ها زن و مرد جوان بر علیه نفس موجودیت رژیم اسلامی و قوانین اسلامی در کوچه و خیابان جاریست. زنان در مدرسه و خیابان و تظاهرات و هر اجتماعی آگاهانه قوانین آپارتاید را می شکنند، آگاهانه علیه ضد ارزشهای اسلامی می ایستند، آگاهانه آخوند و اوباش ضد زن را میکوبند و بعضا کتک شان میزنند، میگویند غلط کردی در امور شخصی من دخالت میکنی، آگاهانه پایان جمهوری اسلامی و قوانین اش را اعلام می کنند. کارزارچی ها خیلی دیر آمدند و البته بجائی نمیرسند. نسلهای جدید زنان و مردان بفرق انقلابی زیر و رو کننده اند و و کارزارچی ها در فکر ممنوعیت آزمایش "پرده بکارت و باکره گی!"

واقعا نفس آدم بند می آید. احساس خفگی به آدم دست میدهد وقتی عده ای بنا به منافع سقف خواستها را به قعر زمین سقوط میدهند و عده ای که هنوز ذهنیت شان اسپر گذشته است به تمجید کارزارچی های مرتجع می نشینند و خود را "مدافع حقوق زن" معرفی می کنند. این دکان را جمع کنید! الغای آپارتاید جنسی، الغای کلیه قوانین ضد زن، رفع تبعیض و نابرابری در تمام سطوح، آزادی پوشش، آزادی معاشرت و روابط اجتماعی، جزو آگاهی جامعه و بدیهیات شده است. دنیای بهتری ممکن است.

نه به آپارتاید جنسی!

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شؤون اجتماعی!

اعدام قتل عمد دولتی است!

صد سال پس از اولین اعتصاب معلمین

احمد بابائی

دیماه ۱۳۰۰ اولین اعتصاب معلمان در تهران بعثت اینکه ۶ ماه حقوق معلمان را پرداخت نکردند صورت گرفت. این اعتصاب با خواست صنفی اما بعثت اینکه مستقیم با دولت طرف حساب بوده به یک اعتصاب سیاسی تبدیل شد. این اعتصاب سه هفته طول کشید که در اواخر آن دانش آموزان برای حمایت از معلمین به اعتصاب پیوستند. (منبع خبر تاریخچه کوتاه سندیکاهای ایران، حسین باقری).

سیاست "حرکت صنفی ولی استمرار" محصول دوره شکل گیری دولت "اصلاحات" است که در بین بخشی از فعالین و سازماندهندگان جنبش معلمان وجود داشت، کما اینکه همین عقاید بخشی از فعالین و معلمین را به پای تائید دولت "اصلاحات" خاتمی و بعد پشت روحانی برد. این سیاست دریچه ای شد تا بخشی از مدیران آموزش و پرورش که از لحاظ مقام و حقوق از موقعیت بالایی برخوردار بودند، و این یکی از عواملی بود تا عقاید اصلاح طلبی و سازشکاری بیشتر تقویت شود، کسب حقوق معلمان را به ناکجاآباد دالانهای حکومتی گره بزنند. همزمان همان حکومت معلمین زیادی را دستگیر و زندانی و اخراج کند. هنوز تعدادی از نمایندگان معلمان در زندان بسر می‌برند.

دور جدیدی از اعتراضات بزرگ خیابانی معلمین در سراسر کشور شروع شده است. اینبار اکثریت معلمان تمام آنچه را که شایسته یک زندگی انسانی و یک محیط آموزشی مناسب و علمی هست خواستارند. رتبه بندی کامل، همسان سازی بازنشستگان، آموزش با کیفیت، آموزش رایگان، مقابله با تبعیض و آزادی معلمان زندانی از خواستهای

اجتماعات معلمان بود. اینبار فرهنگیان که عمدتاً به زندگی زیر خط فقر محکوم شده اند، بعنوان بخشی و جبهه ای از مبارزه طبقه کارگر وارد صحنه شدند. خواستهای معلمان محدود به آموزش و پرورش و حقوق معلمان نیست، آنچه آنها میگویند و آنچه به آن معترضند، درد بخشهای مختلف طبقه کارگر و مردم محروم است که در هر اعتصاب کارگری و اعتراضات توده ای بعنوان مختلف فریاد زده میشود. در واقع اعتراضات معلمان جبهه ای از کشمکش طبقاتی و گسترش آنست که بوسعت کشور در جریان است.

خوشبختانه جنبش کارگری به ویژه کارگران هفت تپه به سنت مبارزاتی و الگوهای مناسبی برای اعتراضات توده ای متکی شدند و تجارب ارزنده ای بدست داده اند. معلمان این امکان را ساده تر و سهل الوصول تر دارند که در محیط مدرسه به مجمع عمومی متکی شوند، مهم نیست اسم نهاد و تشکل شان چیست، مهم اینست که از مکانیزمی برای بسیج و تصمیم گیری از پائین متکی شوند که با سیر رویدادها انطباق بیشتری دارد و در تصمیم سازی در نهادهای بالاتر و عمل محلی و سراسری تعیین کننده باشد. معلمان اینبار بیش از هر دوره متحد و یکصدا بمیدان آمدند و به همان اندازه مورد توجه و حمایت بیشتر قرار گرفتند. یک جامعه در مقیاس وسیع علیه جمهوری اسلامی بمیدان آمده و پیشروی و پیروزی در گرو اینست که رهبری و سازمان هر مبارزه و اینجا معلمان هر روز قدرتمندتر شود و مبشر اتحاد قوی تری در جامعه باشد تا بتواند کل حکومت را به عقب راندن کامل و ادار نماید. مجمع عمومی و سنت شورائی کلید اینکار است.

زنده باد جنبش معلمان! *

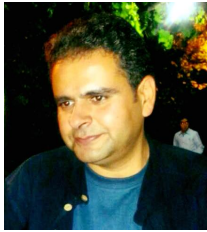
**مجمع عمومی ظرف
ابراز وجود مستقیم و
مستمر کارگران است!**

**مجمع عمومی را
آگاهانه و بنا به هر
نیازی برپا کنید!**

**جنبش مجمع عمومی
را گسترش دهید!**

لیلا حسین زاده باید آزاد شود!





عنوان متولی رسیدگی به یکی از مهمترین معضلات کشور یعنی مشکلات زیست محیطی در سال آتی ۲۲ درصد کمتر از سهم مرکز خدمات حوزه‌های علمیه است.

بودجه صدا و سیما هم با ۵۶ درصد افزایش از ۲ هزار ۱۹۰ میلیارد تومان

در سال ۱۴۰۰ به ۵ هزار ۲۸۹ میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۱ رسیده است. همچنین سپاه به تنهایی برای اجرای طرح‌های خدمات فرهنگی و عقیدتی ۲۱۶٫۵ میلیارد تومان بودجه گرفته است که رقم قابل توجهی است. علاوه بر بودجه فوق مبلغ ۹۲ هزار و ۸۸۳ میلیارد تومان به این نهاد نظامی کشور تعلق گرفته است. بودجه سال گذشته سپاه پاسداران ۳۸ هزار و ۵۶۴ میلیارد تومان تعیین شده بود. این یعنی بودجه سال ۱۴۰۱ این نهاد نظامی ۵۸ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

علاوه بر آن بودجه اختصاص یافته به سپاه سایبری هم جالب توجه است. دولت در ردیف بودجه ریالی سپاه بیش از ۳۷٫۵ میلیارد تومان برای "راهبری فضای مجازی و مقابله با اقدامات سایبری دشمن" بودجه تخصیص داده است. بودجه ۴۳۷ میلیارد تومانی اجرای برنامه «توسعه سایبری و جنگ الکترونیکی» را هم باید زیرمجموعه بودجه سپاه سایبری تقسیم‌بندی کرد.

عنوان «بسیج» تقریباً در تمامی نهادهای دولتی موفق به دریافت بودجه قابل توجهی شده است. وزارت دفاع برای برنامه کمک به صندوق ذخیره بسیجیان ۴۱٫۷ میلیارد تومان بودجه اختصاص داده است. وزارت اطلاعات به دنبال اجرای برنامه‌ای تحت عنوان «تقویت صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی» است. وزارت اطلاعات برای این طرح ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه گرفته است. در همین زمینه وزارت دفاع و ارتش به ترتیب برای ارائه خدمات فرهنگی و عقیدتی بیش از ۵۳ میلیارد تومان و ۱۰۷ میلیارد تومان بودجه اخذ خواهند کرد.

دولت رئیسی دنبال چیست؟

در آبان ۹۸ میخ دیگری به تابوت جمهوری اسلامی کوبیده شد و تا به امروز با وجود سرکوب شدید و دستگیریهای گسترده، ما شاهد گسترش اعتصاب و اعتراض و جنگ خیابانی علیه جمهوری اسلامی هستیم. نه فقط جغرافیا و وسعت اعتراضات گسترش یافته و عملاً در موارد زیادی حکومت حتی قادر به عکس العمل نیست، بلکه علیرغم فشار و سرکوب هر روزه بخشهای مختلف جامعه به اعتراض می‌پیوندند. کمتر بخش جامعه هست که در ایران معترض نباشد.

بودجه دولتی سال ۱۴۰۱ با این اوضاع تناسب دارد و بودجه یک دولت تماماً امنیتی و سرکوبگر است. در سال آتی با وجود اینکه هیچ انتخاباتی اعم از شوراهای شهر و روستا یا میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان قرار نیست برگزار

صفحه ۱۳

طرح بودجه دولت هار سرمایه و سرکوب

وریا روشنفکر

بودجه و بررسی آن زمانی دقیق است که درآمدها و مخارج یک دولت شفاف باشد و اختصاص ردیف‌های بودجه براساس اولویت‌های اجتماعی و نهایتاً بحث‌ها و اختلاف‌ها بر سر همین اولویتها باشد. در ایران این بحث از بیخ و بن جعلی است. چون اقتصاد ایران عمدتاً غیر رسمی و در سایه و غیر شفاف است، کمترین کنترلی بر آن نیست و دولت و مجلس و هیچ نهادی حق سرکشی در آن را ندارد. بودجه دولتی بخش کمی از کل این مجموعه را بخود اختصاص میدهد. تازه همین هم بر سر تقسیم میان باندهای مختلف حکومتی و اولویتهای سرکوب سیاسی و ایدئولوژیک حاکمیت است. در همین سطح طرح بودجه پیشنهادی رئیسی برای سال ۱۴۰۱ قابل بحث است. یعنی در شرایطی که طبق اعلام مرکز آمار جمهوری اسلامی هر ماه حدود ۲۵۰ هزار نفر به زیر خط فقر سپاه سقوط می‌کنند.

بودجه پیشنهادی مانند همیشه نه طرح یک بودجه برای اداره امور یک کشور بلکه بودجه‌ای جهت حفظ یک سیستم فاسد و سرکوبگر از طرق امنیتی، نظامی و پروپاگاندای دستگاه‌های تبلیغاتی است. مثلاً وزارت اطلاعات به دنبال اجرای برنامه‌ای تحت عنوان «تقویت صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی» است. وزارت اطلاعات برای این طرح ۱۰۰ میلیارد تومان بودجه گرفته است. همچنین در ساختار بودجه ۱۴۰۱ تقریباً تمامی نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها برای «تبیین و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی» یا «پژوهش‌های دینی»، بودجه چرب دریافت کرده‌اند. یا برای مثال سازمان برنامه و بودجه برای اجرای «برنامه تبیین و تبلیغ گفتمان انقلاب اسلامی» بیش از ۶۲ میلیارد تومان و برای اجرای برنامه «پژوهش‌های دینی، علمی و کاربردی» ۱۴٫۵ میلیارد تومان بودجه دریافت کرده است. در همین زمینه وزارت دفاع و ارتش به ترتیب برای ارائه «خدمات فرهنگی و عقیدتی» بیش از ۵۳ میلیارد تومان و ۱۰۷ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کنند.

چند رقم در بودجه دولت رئیسی

یکی از بندهای بودجه ۱۴۰۱ مربوط به بودجه «حوزه‌های علمیه» و تربیت آخوند و مفتخور است. بودجه شورای عالی حوزه‌های علمیه افزایش ۶۲ درصدی نسبت به بودجه ۶۵۱ میلیارد تومانی سال گذشته داشته است. مجموع بودجه در نظر گرفته شده برای حوزه‌های علمیه بیش از ۴ هزار و ۶۹۴ میلیارد تومان است که به تفکیک شورای عالی حوزه‌های علمیه (۲ هزار و ۷۱۸ میلیارد تومان)، شورای برنامه‌ریزی مدیریت حوزه‌های علمیه خراسان (۱۶۸ میلیارد تومان) و مرکز خدمات حوزه‌های علمیه (۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان) داده شده است.

بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه از کل بودجه سازمان حفاظت از محیط زیست ایران بالاتر است. سهم سازمان محیط زیست ایران به

آموزش رایگان برای همگان!

است، هشیاری جامعه و کارگران است که آگاهانه تحریکات قومی و مذهبی را منزوی کنند و اجازه ندهند حکومتی ها و عده ای مرتجع مسیر مبارزه اجتماعی را منحرف کنند.

۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

جدال روسیه و اوکراین

کارگران در این جنگ منفعتی ندارند

پروپاگاندا جنگی بین آمریکا و اوکراین از یکسو و روسیه از سوی دیگر بر سر شبه جزیره کریمه و امکان حمله روسیه به اوکراین بالا گرفته است. آمریکا و ناتو در چهارچوب استراتژی محاصره روسیه، تلاش دارند خود را به مرزهای روسیه نزدیک کنند. روسیه با شناخت هدف ناتو مخالف این سیاست است و میخواهد حیاط خلوت و حوزه نفوذ خویش را نگاهدارد.

در متن رقابت قدرتهای جهانی امکان تنش و درگیری در منطقه اوکراین و دنباس کم نیست. تبلیغات ضد روسی و تبلیغات ضد آمریکائی و ضد اوکرائینی فضای مسمومی است که قرار است به بسیج ناسیونالیستی از هر سو برای دفاع از "خاک پاک وطن" منجر شود.

این گوشه ای از جدال و رقابت قدرتهای سرمایه داری است و کارگران روسیه و اوکراین کمترین منفعتی در این جدال ندارند. چنین جنگی تماماً بر علیه اتحاد کارگران در هر دو کشور است. راه حل این بحران نیز در دست طبقه کارگر و اردوئی است که منفعتی در جدال دولتهای سرمایه داری ندارد.

وقت آنست بخشهای پیشرو طبقه کارگر در روسیه و اوکراین صفوف خود را از سیاستهای جنگ طلبانه و ناسیونالیستی و توسعه طلبانه جدا کنند. وقت آنست کارگران در روسیه و اوکراین اعلام کنند که تضاد منافعی با طبقه کارگر و مردم در هر دو کشور ندارند. وقت آنست کارگران روسیه و اوکراین با اعلام وحدت طبقاتی علیه منافع متضاد و یکسان بورژوازی در دو سوی این جدال صف آرایی کنند. وقت آنست سیاستها و تبلیغات نفرت انگیز ناسیونالیستی از هر دو سو کوبیده شود و اهداف طرفین درگیر افشا و منزوی شود. کارگران در جنگ بورژواهای متفرقه منفعتی ندارند و نباید به سرباز و گوشت دم توپ اهداف ناسیونالیستی و توسعه طلبانه امپریالیستی بدل شوند.

۱۴ دسامبر ۲۰۲۱

سرود "ای ایران" وصله ناجور به اعتراض معلمان قم

امروز در اجتماع معلمان قم از تریبون سرود "ای ایران" پخش شد و تعدادی از جمعیت بزرگ اعتصابی معلمان با آن همراهی کردند. تحصن و اعتصاب معلمان حرکتی بسیار برحق با خواستههای پایه ای و مورد حمایت بخشهای گسترده طبقه کارگر و جامعه ایران است. اما سرود "ای ایران" وصله ای ناجور به این اعتراض است.

یادداشتها

سیاوش دانشور



در باره خلع مولانا گرگیج

در تقابل با تحریک مذهبی و قومی هشیار باشیم

آخوند مولانا گرگیج امام جمعه اهل سنت آزادشهر در استان گلستان است. وی امروز جمعه ۲۶ آذر، با حکم خامنه ای عزل و برکنار شد. بدنبال تعدادی از هواداران آخوند گرگیج تجمع کردند و نعره "الله و اکبر" سر دادند. حکومت هم محیط را پلیسی و امنیتی کرده است.

در این زمینه تاکید چند نکته ضروری است:

اول، دعوی خانوادگی دایناسور- امام جمعه ها، اعم از "اهل سنت" یا "اهل تشیع" هرچه هست، به همین خانواده و طبقه طفیلی و مرتجع آخوندها و صنعت خونین دین مربوط است، به کارگر و مردم زحمتکش و آزادیخواه سرسوزنی ربط ندارد. دفاع سر راست و روشن از حقوق پایه ای همه مردم ایران نیازی به صدور شناسنامه قومی و مذهبی ندارد.

دوم، حکومت اسلامی در متن بن بست و بحران و مواجهه با اعتراضات مستمر، تلاش دارد با تحریک قومی و مذهبی سیر اعتراضات را به مسیر دیگری هدایت کند. تلاش دارد در مقابل امواج همبستگی و اتحاد شکل گرفته، تفرقه و کشمکش کاذب ایجاد کند، همدردی را به نفرت و اتحاد را به انشقاق تبدیل کند تا راحت تر بتواند سرکوب کند و بماند.

سوم، برخی جریانات مرتجع که همخونی اجتماعی و آرمانی با امثال مولانا گرگیج و مولانا عبدالحمید و آخوندهای "اهل سنت" دارند، تلاش دارند از امثال اینها "مولوی های مردمی" بسازند که گویا از حقوق مردم در مقابل نظام دفاع می کنند! کسانی که تلاش دارند از گرگیج ها "مولوی مردمی" علیه خامنه ای بسازند، در دست خود خامنه ای بازی می کنند. چون رژیم و دستگاههای امنیتی اش نیز براساس تعلق مذهبی و قومی تحریک میکنند و هدف این تحریک ایجاد شکاف در صفوف مردم معترض، ممانعت از قویتر شدن جنبش سرنگونی حکومت اسلامی و سرکوب آنست.

زمانی دور چپ پرو- سوویت در سیمای کشیشان امریکای لاتینی که زیر فشار اعتراض در جامعه کمی چرخیده و از در سازش درآمده بودند، "الهیات رهانیبخش" کشف کردند! چند دهه بعد، عده دیگری از "مولوی های مردمی" و آخوندهای "طرفدار مردم" سخن میگویند! دوران آخوند خوب و آخوند بد و اسلام کمتر وحشی و دگراندیش گذشته است. آخوند در ایران فی النفسه سمبل جنایت و دنائت و فساد و ضدیت با هر جلوه ای از زندگی مردم است. اینها البته آینده ای ندارند. آنچه مهم

یادداشتها ...

سرود "ای ایران" ماهیتاً فاشیستی و برتری جویانه است، این سرود با هزار من سریش به ریش طبقه کارگر و سیاستهای برابری طلبانه اش نمی چسبد. روشن است معلمان هم مثل بقیه جامعه عقاید و سیاستهای مختلف دارند، میان آنها گرایشات جا افتاده سیاسی و روشهای عملی متفاوت وجود دارد. اینها بجای خود محفوظ و در قلمرو فردی حق هر بنی بشری است.

بحث اما برسر این بدهیات نیست، بلکه برسر اینست که همانطور که "تورم و گرانی بلای جان مردم است"، در صد سال گذشته "ملت" و "امت" نیز بلای جان مردم بوده است. بالاخره ناسیونالیسم و اسلام هر کدام کارگران و بقیه مردم محروم و زحمتکش را در گونی "ملت" یا "امت" چپانده اند تا منافع مشخص و متمایز آنها از طبقه حاکم را انکار کنند. چرا معلم شریف و زحمتکشی که قربانی همین عقاید و همین منافع و همین طبقه است، باید در اعتراضش به بیحقوقی سرود "ای ایران" بخواند؟ این سرود هیچ نسبتی با خواست معلمان، هیچ نسبتی با اعتراض کارگران علیه وضع موجود ندارد.

ناسیونالیسم و مذهب ما را "ملت" و "امت" معرفی میکنند تا منافع طبقه بورژوازی را صورتی "همگانی" بدهند. ایدئولوژی اسلام و ناسیونالیسم توجیه گر بیحقوقی ما و تداوم وضع موجود است. کار ما اینست که وضع موجود را تغییر دهیم و در این مسیر نیازی به میراث کپک زده بورژوازی نداریم.

۱۲ دسامبر ۲۰۲۱

طرح بودجه دولت هار

سرمایه و سرکوب ...

شود، وزارت کشور برای اجرای برنامه «سیاستگذاری و نظارت بر استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی و برگزاری انتخابات»، بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهد کرد. به نظر این بودجه قرار است صرف سرکوب و بازداشت مردم معترض شود.

در نهایت باید گفت باتوجه به شرایط موجود و اعتصابات و اعتراضات هر روزه و عدم توان حکومت در برآورده کردن نیازهای ابتدایی جامعه نظیر دارو، غذا، سوخت، برق و آب و همچنین آگاهی روزافزون طبقاتی جامعه و وجود رهبران جسور کارگری، سال ۱۴۰۱ در تحلیل حکومت سالی کلیدی است و نظام برای بقا با همه نیرویش آمده است. بودجه گوشه ای از این طرح است. شاید این طنز خالی از واقعیت نباشد؛ انگار خامنه ای معنی این جمله لنین را فهمیده که پشت هر اعتصابی ازدهای انقلابی نهفته است. *

دانش آموزان و خانواده‌ها

از اعتراضات برحق معلمان حمایت کنید

آزادی و رفاه حق مسلم ما است



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

جهان بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون

«خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل

میشود!

منصور حکمت



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کله‌ر

جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی «رجال» صبح دوشنبه ۲۲ آذر با تجمع مقابل فرمانداری شهرستان ماهشهر به بر زمین ماندن مطالبات خود اعتراض کردند. کارگران شرکت پتروشیمی رجال خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت مزایا و بیمه تکمیلی به عنوان مطالبات قانونی خود هستند.

ابتلای بیش از ۳ هزار نفر از کارکنان پارس جنوبی به کرونا رئیس ایمنی، بهداشت و محیط زیست مجتمع گاز پارس جنوبی گفت: از جمعیت ۱۸ هزار نفری کارکنان مجتمع گاز، سه هزار و ۲۷۰ نفر در مجتمع گاز پارس جنوبی به کرونا مبتلا شده اند که متأسفانه از این تعداد سه نفر از کارکنان جان باخته اند.

کارخانه نخ شمال تعطیل شد

پس از چهل سال فعالیت کارخانه نخ شمال تعطیل و همه کارگران این واحد تولیدی از کار بیکار شدند.

این کارخانه که در شهر نوشهر قرار دارد تقریباً از یک ماه پیش تعطیل شده و به گفته کارگران، مالک شرکت قصد دارد با تغییر کاربری زمین های شرکت اقدام به شهرک سازی و فروش آنها نماید. مالک کارخانه اما این موضوع را تکذیب و علت تعطیلی شرکت را بدهی های کلان بانکی، فرسودگی ماشین آلات و نداشتن نقدینگی عنوان می کند. با تعطیلی این کارخانه سی و پنج کارگر شاغل در این واحد تولیدی از کار بیکار شده اند.

تهدید به قتل هیراد پیربدایی در بازداشتگاه وزارت اطلاعات بند ۲۰۹
ستاره جلالی، مادر هیراد پیربدایی در صفحه اینستاگرام خود خطاب به علی خامنه‌ای و مسئولان قضایی کشور گفت: جان فرزندم در بند ۲۰۹ زندان اوین در خطر است و تهدید به مرگ شده است. او افزود: چرا با قبول وثیقه موافقت نکردید که او در دادگاه حاضر شود؟ و چرا پرونده او را از مرحله بازداشت موقت سریع به دادگاه می‌خواهید بفرستید؟ هیراد پیربدایی، فعال کارگری علیرغم گذشت بیش از یک ماه از زمان بازداشت کماکان به صورت بلا تکلیف در بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین نگهداری می‌شود. پیشتر علیرغم وعده‌هایی مبنی بر آزادی موقت وی به خانواده او گفته شده بود که پرونده آقای پیربدایی جهت تعیین شعبه به دادگاه ارسال خواهد شد.

موتورسواران به گوهر عشقی حمله کردند

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی صبح روز پنجشنبه ۱۸ آذر ماه توسط دو فرد از نیروهای متخاصم رژیم، مورد حمله قرار گرفته و مجروح شد. صفحه اینستاگرامی بنیاد ستار بهشتی روز جمعه با انتشار تصویری از گوهر عشقی، در حالی که با سر و صورت باندپیچی شده صفحه ۱۵

اعتراضات سراسری معلمان ایران
روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه از ۲۰ الی ۲۳ آذر، معلمان در سراسر کشور دست به تحصن و اعتراض و اجتماع زدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که مجموعه‌ای از نمایندگان کانونهای معلمان را در خود جای داده است، طی فراخوانی از معلمان خواست که همزمان با بررسی لایحه طرح رتبه بندی در مجلس اعتراضات خود را از سر بگیرند.

مجلس در جلسه چهارشنبه ۲۴ آذر "تحت نام" تصویب رتبه بندی لایحه حقوق معلمان در واقع خواستهای فرهنگیان را دور زده است. کانون صنفی معلمان ایران اما این مصوبه را رد کرد. محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان تأکید کرد که مصوبه رتبه‌بندی مجلس مورد تأیید معلمان و تشکلهای صنفی فرهنگیان نیست. حبیبی در توییت خود نوشت که این مصوبه به جای "رتبه‌بندی" یک "سرهم‌بندی" است و اعتراضات "تا رسیدن به مطالبه مطلوب" ادامه خواهد یافت. در مصوبه مجلس حداقل حقوق ماهانه معلمان حدود ۸ میلیون تومان است در حالی که بنا بر اظهارات رسمی، خط فقر در سال جاری به ۱۱ میلیون تومان رسیده.

دستگیری رسول بدایی

رسول بدایی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان اسلامشهر و همچنین نماینده این تشکل در شورای هماهنگی معلمان ایران ساعت یازده صبح روز شنبه بیست آذر توسط نیروهای امنیتی در منزل خویش با ضرب و شتم و با لباس منزل دستگیر و با هتک حرمت و اعمال خشونت به مکان نامعلومی منتقل شد.

اجتماع معلمان همدان

روز پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۰، معلمان استان همدان نیز در اعتراض به سرهم‌بندی کردن لایحه رتبه‌بندی معلمان تجمع اعتراضی برگزار کردند. معلمان معترض در تجمع خود شعار می‌دادند: معلم به پا خیز، برای رفع تبعیض، معلم زندانی آزاد باید گردد. یک معلم طی سخنرانی در تجمع معلمان استان همدان از جمله گفت: جناب نماینده‌ای که حتی در تصورات ذهن کوچکت زندگی با حقوق ۶ میلیون نمی‌گذرد؛ به جمع ما بیا تا معنای سرخ نگه داشتن صورت با سیلی را به تو بفهمانیم. کلاه گشاد رتبه‌بندی که بیشتر شبیه خدعه‌بندی است، باز هم بر سر جامعه فرهنگی گذاشتی؟! در کدامین دانشگاه خراب شده هیات علمی ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد که ۸۰ درصد آنرا به ما بخشیدی؟!

تجمع کارگران پتروشیمی «رجال» در ماهشهر

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

بیش از چهار ساعت تحت بازداشت و بازجویی نیروهای امنیتی بود. در جریان بازجویی علاوه بر توهین و بی‌احترامی، او را مورد ضرب و شتم شدید و آزار روحی قرار داده‌اند.» «نیروهای امنیتی سقز در جریان بازجویی آقای امینی را ضمن تهدید به اخراج از کار، از او خواسته‌اند تا با نوشتن تعهدنامه کتبی به فعالیت‌های صنفی خود پایان دهد. اما این فعال صنفی با تاکید بر قانونی بودن خواسته و مطالبات صنفی معلمان شاغل و بازنشسته کشور، نوشتن تعهدنامه را رد کرده است.»

هیراد پیر بداقی تحت فشار برای اعترافات کذب است

هیراد پیر بداقی آزاد باید گردد!



زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای

را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا

کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا

ارگان حاکمیت!

روی تخت بیمارستان است، گزارش داده که این حادثه در ساعت ۱۱ صبح رخ داده است. گوهر عشقی درباره نحوه سوء قصد صورت گرفته به جانش می‌گوید: «در مسیر رفتن به امامزاده بر سر مزار فرزندم بودم که یکی از دو سرنشین یک دستگاه موتورسیکلت، پیاده شد و من را روی میلگردهای کنار خیابان هل داد. بیهوش شدم و زمانی که چشمانم را باز کردم، دیدم که به بیمارستان منتقل شده‌ام».

تداوم زندانی کردن محمدرضا رمضانزاده

در ادامه تشدید و فشار بر فعالان صنفی، محمدرضا رمضانزاده که پیشتر به حبس و جریمه نقدی به خاطر فعالیت صنفی محکوم شده بود به زندان بازگردانده شده است. محمدرضا رمضانزاده نماینده ریاست دوره‌ای شورای هماهنگی بجنورد در سال‌های ۹۶ و ۹۷ بود و به دنبال برگزاری تحصن‌های باشکوه سال ۹۷ به همراه تمام اعضای هیات مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی بازداشت شد و به حبس و جریمه نقدی محکوم گردید.

بکتابش آبتین در بیمارستان بستری شد

بکتابش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران، پانزدهم آذر به علت تب و فشار خون بالا، شبانه از زندان به بیمارستان منتقل شد. آبتین از چند روز پیش از انتقالش به بیمارستان چند بار به علت تب، بدن‌درد شدید و ضعف عمومی به بهداری زندان مراجعه کرده بود. پس از یک روز بی‌خبری، هم‌بندان آبتین تلاش‌های خود را برای یافتن خبری از وضعیت او آغاز کردند. سرانجام خانواده‌ی آبتین که برای روز ملاقات در زندان حاضر شده بودند، با پیگیری‌های مصرانه از انتقال او به بیمارستان طالقانی مطلع شدند. سرانجام عصر روز ۲۲ آذر ماه، خانواده و وکیل بکتابش آبتین، شاعر، فیلمساز و عضو کانون نویسندگان ایران موفق شدند برای او از زندان مرخصی استعلاجی بگیرند. به این ترتیب آبتین از بیمارستان طالقانی به بیمارستان دیگری منتقل شد تا خانواده بتوانند بر روند درمان او نظارت داشته باشند.

دادگاه جعفر ابراهیمی برگزار شد

روز یکشنبه ۲۱ آذر جعفر ابراهیمی عضو کانون صنفی معلمان در این دادگاه با اتهام بی‌اساس تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور روبرو شد. آقای تاج ضمن رد اتهامات خواستار صدور رای برائت برای این فعال صنفی شد. قاضی دادگاه پایان رسیدگی به اتهامات را اعلام نمود و تا ده روز آینده رای دادگاه مشخص خواهد شد.

احضار و ضرب و ستم آمانج امینی

فعال صنفی معلمان و عضو «انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه»، صبح روز شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۰ در پی احضار به اداره اطلاعات شهرستان سقز مورد ضرب و شتم قرار گرفت. یک منبع مطلع در این باره می‌گوید: «اداره اطلاعات سقز صبح امروز، آمانج امینی را احضار کردند. او

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com



حمایت دانش آموزان از اعتصاب و خواستهای آموزگاران



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست



زنده باد سوسیالیسم!